گزارش خبرنگار «جوان» از اولین جلسه رسیدگی به پرونده قتل مهرجویی

قاتلان مهرجویی اتهام را گردن هم انداختند

تبعه غیرمجاز که به مباشرت در قتل داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی‌فر متهم‌شده در جلسه رسیدگی به پرونده، اتهام را به گردن همدستش انداخت. اولین رسیدگی به پرونده روز گذشته در دادگاه کیفری یک استان البرز برگزار شد.

ابتدای جلسه نماینده دادستان گفت از شامگاه ۲۲ مهرماه که خبر قتل داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی‌فر در ویلای شخصی‌شان در زیبادشت کرج اتفاق افتاد، تحقیقات ویژه در این‌باره به جریان افتاد تا اینکه چهار متهم پرونده، شناسایی و بازداشت شدند. آنها در جریان بازجویی‌ها به جرمشان اعتراف و صحنه جنایت را هم بازسازی کرده‌اند که برایشان درخواست صدور مجازات قانونی دارم.

دفاعیات وکیل مهرجویی

در ادامه مانوش منوچهری، وکیل داریوش مهرجویی در جایگاه حاضر شد و گفت برای هر چهار متهم پرونده درخواست اشد مجازات دارد. وی گفت: هر چهار متهم پرونده در جریان حادثه نقش داشته‌اند و به نظر می‌رسد تحقیقات کامل در این‌باره صورت نگرفته‌است، به خاطر همین درخواست داریم عناوین مجرمانه متهمان در کیفرخواست تغییر پیدا کند. وی گفت که بعد از حادثه درخواست کرده‌ایم آخرین شماره تماس‌های مهرجویی بررسی و اعلام شود که بدانیم او آخرین‌بار با چه کسی تماس داشته یا احتمالاً منتظر رسیدن چه کسی بوده‌است؟ همچنین تصویر جسد مهرجویی نشان می‌دهد که او لباس بیرون به تن داشته‌است، در حالی که او همیشه در خانه لباس راحتی به تن می‌کرد. همچنین در محل حادثه خون زیادی ریخته‌بود، اما روی لباس‌های مهرجویی هم آثار خون دیده نمی‌شود. متهمان اعتراف کرده‌اند هنگام ارتکاب جنایت دستکش به دست داشته‌اند و بعد از حادثه آن را سوزانده و دو چاقوی به کار گرفته‌شده در ارتکاب قتل‌ها را زیر خاک پنهان کرده‌اند. مأموران پلیس وقتی چاقوها را کشف کردند، هنوز خون‌آلود بود. پرسش این است که چرا آنها دستکش‌ها را از بین برده اما چاقوها را معدوم نکرده‌اند؟ متهمان پرونده بعد از دستگیری همراه هم بازجویی شده‌اند و این فرصت برایشان فراهم بوده که اظهاراتشان را با هم هماهنگ کنند. همچنین انگیزه متهمان از ارتکاب قتل به صورت کامل بررسی نشده‌است.

دفاع از کیفرخواست

نماینده دادستان در دفاع از کیفرخواست گفت که همه تحقیقات پرونده به صورت جامع صورت گرفته و کیفرخواست با نظر بازپرس صورت گرفته‌است. همه تحقیقات پرونده از متهمان به صورت تک‌تک انجام شده‌است که آنها به این امر اعتراف دارند. اینکه هر کس در منزل خود چه لباسی به تن داشته‌باشد از اختیارات همان فرد است که محل اشکال نیست. همچنین بررسی‌ها نشان داده که متهمان از دیوار پشت ساختمان وارد شده‌اند. آنها چاقوها را به دلیل قیمتی که داشته‌اند، معدوم نکرده‌اند، با این فرض که پلیس آنها را بازداشت نمی‌کند و بعداً می‌توانند دوباره از آن استفاده کنند. متهمان در بازجویی‌ها انگیزه‌شان را سرقت اعلام کرده‌اند. کسی از نیت درونی مرتکب خبر ندارد با این حال وی اعتراف به ارتکاب قتل دارد و انگیزه‌اش هم سرقت مطرح کرده‌است.

دفاع وکیل همسر مهرجویی

در ادامه وکیل همسر مهرجویی در جایگاه قرار گرفت و گفت به دلیل اهمیت پرونده، رؤسای سه قوه برای رسیدگی به این امر دستور صادر کردند که نشان از اهمیت موضوع داشته و دارد. ضابطان هم در ۱۲ تیم در این‌باره تحقیق کردند، با این حال از نظر ولی‌دم تحقیقات در این‌باره به سرعت انجام شده‌است و ای کاش درخواست‌های خانواده اولیای‌دم با فرصت بیشتری رسیدگی می‌شد.

در این دو قتل، از دو چاقوی دسته زرد و قهوه‌ای استفاده شده‌است. پزشکی قانونی صراحت دارد ضرباتی که با چاقوی دسته زرد وارد شده دخالت مؤثر در قتل داشته‌است. بررسی‌ها هم نشان داده‌است که اسکندر از متهمان پرونده با همین چاقو به خانم محمدی‌فر ضربه زده‌است، با این حال برای وی اتهام مباشرت صادر نشده‌است. وی ادامه داد: ما در کنار دادگاه هستیم و درخواست‌مان هم این است، هر کس در جریان قتل نقش داشته مجازات شود. ما درخواست داریم عنوان اتهام تغییر داده‌شود و برای مرتکبان درخواست قصاص داریم.

یکی از مستشاران دادگاه گفت: ایرادهای مطرح‌شده در پرونده رفع و کیفرخواست صادر شده‌است. ممکن است متهم انگیزه را پنهان کند، برای همین برای شناسایی انگیزه پرونده به دادسرا ارجاع داده نمی‌شود. تغییر عناوین مجرمانه هم در صلاحیت دادگاه است. وی ادامه داد: شما به پرونده دسترسی داشتید و می‌توانستید در این مدت به پرونده مراجعه و ایرادها را مطرح کنید.

سپس قاضی از وکیل مهرجویی سؤال کرد، آیا دلیلی دارید که فرد دیگری در جریان پرونده نقش داشته‌باشد؟

وکیل جواب داد خیر

قاضی گفت تحقیقات زیادی در این‌باره صورت گرفته و مشخص شده‌است فرد دیگری در جریان قتل‌ها نقش نداشته‌است.

متهم در جایگاه

در ادامه قاضی کریم، متهم ردیف اول را جایگاه دعوت و سه متهم دیگر را به بیرون جلسه هدایت کرد. قاضی به متهم گفت که اتهامات مباشرت در دو قتل، ورود غیرمجاز به کشور، سرقت مسلحانه است. وی ادامه داد: شما از قبل خانم محمدی‌فر را تهدید کرده و همسایه‌ها هم ورود شما را دیده‌بودند.

متهم اتهام را به گردن یکی دیگر از همدستانش انداخت و گفت من سال‌ها بود که مهرجویی را می‌شناختم. ۱۲ سال بود که در زیبادشت کارگری می‌کردم و پنج ویلا دست من بود. خیلی از ساکنان این ویلاها به سفرهای خارج می‌رفتند و کلیدشان دست من بود. من و سه برادرم هم سال‌ها بود در همین ویلاها کار می‌کردیم. خان‌محمد یکی از برادرانم بود که باغبانی مهرجویی را هم کرده‌بود. او یک‌بار از خانه مهرجویی بلندگویی سرقت کرد. مهرجویی متوجه شد دزدی کار خان‌محمد است و از من خواست بلندگو را پس بگیرم. با خان‌محمد حرف زدم و دیدم او دزد است. بلندگو را به مهرجویی برگرداندم. بعد از آن خان محمد به افغانستان رفت و من با برادر دیگرم که در این پرونده اتهام دارد به باغبانی ادامه دادیم.

متهم گفت مهرجویی هفت سال بود ویلا را خریده‌بود و من هم او را می‌شناختم. دو سال در باغش کار کردم. او از من خواسته بود در باغش شاهدانه بکارم و برداشت کنم. من هم همین کار را می‌کردم. قبل از حادثه هم تماس گرفت و گفت که فصل برداشت است. خواست بروم و شاهدانه را برداشت کنم. آن روز رفتم و سری به باغش زدم. فردا که تماس گرفتم بروم، گفت برایش میهمان آمده و خواست روز دیگری بروم که به قتل رسید.

متهم گفت بعد از دستگیری ما را در اتاق‌های جداگانه نگه می‌داشتند. یک روز که برای بازپرسی رفته‌بودیم، داوود به من گفت که چه غلطی کردم، مرتکب قتل شدم. به او گفتم حالا که تو قتل کردی چرا پای من را به میان کشیدی؟ اسکندر هم گفت که لباس‌هایش خونی شده و آن را شسته است. اول فکر کردم تحت فشار این را می‌گویند، اما بعد متوجه شدم قتل کار خودشان است.

قاضی گفت در بازسازی صحنه جرم همه چیز را شرح داده‌ای.

متهم سکوت کرد.

قاضی گفت وقتی بازداشت شدی، همان لباس را به تن داشتی که شب حادثه به تنت بود. متهم گفت قبول دارم. آن لباس‌ها را پسر صاحب یکی از ویلاها به من داده‌بود. من لباس دیگری نداشتم که بپوشم.

بعد از آن، قاضی جلسه برای یک ساعت تنفس اعلام کرد. بعد از آن، جلسه با دفاع وکیل متهم ادامه پیدا کرد. وکیل متهم گفت که موکلش سواد خواندن و نوشتن ندارد. در جلسه بازجویی هم بهتر بود مترجمی برای او در نظر گرفته می‌شد. او پشتون است و فارسی به خوبی حرف نمی‌زند. نماینده دادستان گفت که متهم ردیف اول همان‌طور که از خودش دفاع کرد، فارسی را خوب حرف می‌زند و سواد هم دارد.

اتهام گردن متهم ردیف اول

در ادامه یکی دیگر از متهمان در جایگاه قرار گرفت و اتهام را به گردن کریم انداخت. او گفت نقشه را کریم کشید و خواست از خانه مهرجویی سرقت کنیم. او محل را به خوبی می‌شناخت و راه‌های رفت و آمد به ویلا را نشان‌مان داد. وقتی هم که وارد شدیم، خودش به دو مقتول ضربه زد و آنها را به قتل رساند.

قاضی بعد از شنیدن دفاعیات متهم، ادامه رسیدگی به جلسه را به امروز موکول کرد.

بررسی دفترچه یادداشت راز سقوط مرگبار را برملا کرد

کشف دفترچه یادداشت زن جوانی که به طرز مشکوکی پس از سقوط از پشت‌بام ساختمان مسکونی به کام مرگ رفته‌است، پرونده را وارد مرحله تازه‌ای کرد.

به گزارش «جوان»، اوایل آذرماه امسال قاضی محسن اختیاری، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از مرگ مشکوک زن جوانی با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی داخل حیاط ساختمان پنج طبقه‌ای در یکی از خیابان‌های شمالی تهران با جسد زن جوانی به نام رؤیا روبه‌رو شدند که بررسی‌های اولیه حکایت از آن داشت از پشت‌بام ساختمان مسکونی به پایین سقوط کرده و جان باخته‌است. مأموران پلیس دریافتند زن فوت شده چند روز قبل همراه شوهرش که تاجر است از یکی از کشورهای همسایه به ایران می‌آیند و در همین چند روز هم در خانه یکی از دوستانشان زندگی می‌کرده‌اند تا اینکه وی به طرز مشکوکی از بالای ساختمان به پایین سقوط و فوت می‌کند.

همسر زن فوت‌شده به مأموران گفت: من و همسرم در یکی از کشورهای همسایه زندگی می‌کردیم و برای رفتن به آلمان به ایران آمدیم. چند روزی میهمان خانه یکی از دوستانم بودیم. امشب برای انجام کاری از خانه دوستم بیرون رفتم و دوستم نیز خانه نبود. وقتی به خانه برگشتم، متوجه شدم همسرم خودش را از پشت‌بام به پایین پرت کرده‌است.»

تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت تا اینکه روز گذشته دوست مرد تاجر به دادسرا رفت و اطلاعاتی درباره سقوط مرگبار زن جوان از پشت‌بام خانه‌اش در اختیار بازپرس قرار داد. وی گفت:«پس از این حادثه دوستم به آلمان رفت و یک روز قبل عکسی از برگه دفترچه یادداشتی برای من فرستاد و گفت این یادداشتی است که همسرش در آخرین ساعات مرگش نوشته‌است. در برگه یادداشت همسرش نوشته‌بود من در مقابل همسرم که مرد پولداری است، احساس حقارت می‌کنم و تصمیم دارم به زندگی‌ام پایان دهم. شوهرش به من گفت دفترچه یادداشت را چند روز قبل از داخل وسایل همسرش پیدا کرده‌است.»

با طرح این ادعا، بازپرس جنایی به مأموران دستور داد از مرد تاجر بخواهند همراه دفترچه یادداشت همسر فوت‌شده‌اش برای تحقیق از آلمان به ایران بیاید و دفترچه یادداشت هم برای بررسی خط‌شناسی در اختیار کارآگاهان جنایی قرار گیرد. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

ساماندهی موتورسیکلت‌سواران متخلف ۳۰درصد گره ترافیکی را باز می‌کند

غلامرضا مسکنی

فرمانده پلیس راهور فراجا در طرح ساماندهی موتورسیکلت‌سواران معروف به «طرح ۱۰» که صبح دیروز در تهران اجرا شد، گفت: برخورد مأموران با موتورسواران متخلف جدی است و معتقدم ساماندهی موتورسواران متخلف ۳۰ درصد گره ترافیکی را باز می‌کند.

استفاده از وسیله نقلیه موتورسیکلت برای عبور و مرور و حتی حمل بار در کلانشهرها و به‌خصوص در پایتخت به خاطر ترافیک‌های سرسام‌آورش رو به افزایش است. از طرفی هم اگر سری به خیابان‌ها بزنی با انبوهی از موتورسواران متخلف روبه‌رو می‌شوی که برای فرار از گره ترافیکی شهر خلاف جهت یا در خط ویژه و حتی پیاده‌روها در حال حرکتند. مخدوش کردن پلاک، نداشتن کلاه ایمنی، عبور از چراغ قرمز و حرکات نمایشی خطرناک تخلفات دیگری است که بعضی موتورسواران مرتکب می‌شوند که گاهی حادثه‌های مرگباری را رقم می‌زند. پلیس برای انضباط‌بخشی به تردد موتورسواران طرح‌های زیادی را به اجرا گذاشته، اما از اواسط دی‌ماه برای برخورد با موتورسواران متخلف طرح ویژه‌ای را معروف به «طرح ۱۰» پلیس راهور به اجرا درآورده است.

در اجرای این طرح، مأموران پلیس راهور در نقاط مختلف شهر توقف می‌کنند و با تخلفاتی نظیر حرکت خلاف جهت، حمل بار غیرمتعارف، عبور از چراغ قرمز، انجام حرکات نمایشی، حرکت از خط ویژه و پیاده‌رو و نداشتن کلاه ایمنی با موتور سواران برخورد می‌کنند. همچنین در کنار اجرای این طرح با تخلفات ساکن نظیر پارک دوبله، توقف در ایستگاه اتوبوس و تاکسی و همچنین پارک در محل مخصوص معلولان و جانبازان برخورد و موتورسیکلت متخلفان توقیف و به کفی منتقل می‌شود.

برخورد جدی با موتورسواران متخلف

صبح دیروز چهارشنبه ۲۷ دی‌ماه «طرح ۱۰» پلیس راهور برای ساماندهی موتورسواران با حضور سردار سیدتیمور حسینی، فرمانده پلیس راهور، سرهنگ سیدابوالفضل موسوی‌پور، رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ و جمع دیگری از فرماندهان و پرسنل پلیس راهور کشور و تهران در میدان ونک اجرا شد و فرمانده پلیس راهنمایی و رانندگی کشور دستور اجرای این طرح را در سراسر کشور صادر کرد.

رئیس پلیس راهور فراجا در حاشیه اجرای این طرح در جمع خبرنگاران تأکید کرد مأموران پلیس راهنمایی و رانندگی با تردد خودروها و موتورسیکلت‌های دارای پلاک مخدوش یا فاقد پلاک برخورد جدی کنند.

وی با بیان اینکه پلاک مخدوش یکی از علل و عوامل اصلی قانون‌گریزی است و پلیس به جد با تخلفات پلاک مخدوش برخورد خواهد کرد، گفت: «این طرح در پلیس راهور تهران بزرگ مدتی است که با هدف انضباط بخشی به رفتارهای ترافیکی موتورسیکلت‌سواران اجرا شده است. اجرای این طرح نقش بسیار پررنگی در بازکردن گره‌های ترافیکی دارد، زیرا تخلفات موتورسیکلت‌سواران به حداقل می‌رسد و پیش‌بینی شده که ساماندهی موتورسیکلت‌سواران ۳۰ درصد از گره‌های ترافیکی را باز کند.

درخواست مردم برای برخورد با متخلفان

وی افزود: برخی از تخلفات موتورها مثل عبور از محل ممنوع مانند خط ویژه یا پیاده‌رو عبور از چراغ قرمز، خط قرمز پلیس است، زیرا این رفت‌وآمدها می‌تواند برای فرد موتورسیکلت‌سوار یا دیگر کاربران ترافیک حادثه ایجاد کند.

سردار حسینی با بیان اینکه موتورسیکلت قدرت مانور بیشتری در مقایسه با خودرو دارد، خاطرنشان کرد: در همین راستا نیز برخی از راکبان موتورسیکلت به وسیله آن تخلفاتی را انجام می‌دهند که موجب آزار مردم شده است. مردم بارها و بارها از پلیس خواستار برخورد با این موارد شده‌اند و برخورد با تخلفات موتورسیکلت‌سواران جزو بیشترین موارد مطرح شده از سوی مردم به پلیس راهور است.

البته ما این را می‌دانیم که برخی از موتورسواران از این وسیله برای امرار معاش و معیشت خود استفاده می‌کنند، اما واقعیت این است که نباید امرارمعاش با تخلف و به خطر انداختن جان خود و دیگران همراه باشد.

رئیس پلیس راهور فراجا درباره توقیف موتورسیکلت‌های متخلف و استقرار کفی‌ها نیز خاطرنشان کرد: ما به دنبال آمار نیستیم و اتفاقاً استقبال می‌کنیم که اگر کفی خالی برگردد، اما به شرطی که تخلفی رخ ندهد. در این حوزه، نگاه ما کمی نیست و به دنبال این نیستیم که چه تعداد موتور توقیف می‌شود، بلکه اصلاح رفتار موتورسواران مدنظر و در اولویت ماست.

۲۰ میلیون جابه‌جایی در تهران

فرمانده پلیس راهور فراجا در بخش دیگری از اظهارات خود با بیان اینکه مردم از ترافیک‌های سنگین و از آن بیشتر از بی‌نظمی در ترافیک گله‌مند هستند، گفت: روزانه حدود ۲۰میلیون جابه‌جایی در سطح معابر تهران رخ می‌دهد و اگر حساب کنیم افراد روزی یک ساعت معطلی در ترافیک داشته باشند، می‌توان گفت که ۲۰ میلیون ساعت اتلاف وقت تنها در ترافیک تهران داریم.

وی در ادامه به مسئولیت ۲۶ دستگاه در حوزه ترددهای شهری و جاده‌ای اشاره و تصریح کرد: ما موظفیم سهم خود را در این زمینه ایفا کنیم، اما از وزارت راه، کشور، بهداشت، و ارشاد و قانونگذاران در مجلس و همچنین دستگاه قضایی مطالبه جدی داریم و همه باید سهم خود را ایفا کنند. البته اینطور نیست که اگر بقیه سهم خود را ایفا نکنند، پلیس هم به وظیفه خود عمل نکند. ما به وظایف خود عمل خواهیم کرد و حتی در مواردی بیش از آنچه که باید عمل کرده‌ایم.

رئیس پلیس راهور فراجا همچنین از مردم خواست با پلیس همراه باشند و بر عملکرد پلیس راهور نظارت کنند، چراکه عملکرد پلیس در کنترل نظارت در راستای امنیت و آسایش مردم است.

رئیس پلیس راهور فراجا همچنین در پاسخ به سؤالی مبنی بر هزینه مازادی که برخی صاحبان پارکینگ‌ها از موتورسیکلت‌های توقیفی دریافت می‌کنند، گفت: این موضوع در رصد ما قرار گرفته است و ما به مسئولان بالادستی در حوزه بنیاد تعاون فراجا گزارش داده‌ایم و حتماً تا حصول نتیجه پیگیری خواهیم کرد.

عشق بازیگری باموهای رنگ‌شده موبایل‌قاپی می‌کرد

آرمین بینا

انتشار عکس سلفی سارقی که عشق بازیگری داشت، سبب شد شاکیان او را در اینستاگرام شناسایی و پلیس را از ماجرا باخبر کنند.

چندی قبل مأموران پلیس تهران در جریان سرقت‌های سریالی مرد موتورسواری قرار گرفتند که در کوچه و خیابان‌های شهر موبایل‌قاپی می‌کرد.

یکی از شاکیان که زن جوانی بود به مأموران گفت: «هوا روشن و هنوز آفتاب غروب نکرده بود، من از محل کارم در یکی از خیابان‌های شرقی بیرون آمدم و به صورت پیاده به طرف ایستگاه اتوبوس در حال حرکت بودم که ناگهان موتورسیکلتی نزدیکم شد و راکب آن در یک چشم‌به‌هم‌زدن گوشی تلفن همراهم را قاپید و به سرعت دور شد. سارق مرد جوانی بود و موهای بلند و رنگی داشت، وقتی هم به سرعت حرکت کرد موهایش را باد از روی گردنش کنار زد و زخمی روی گردنش نمایان شد.»

سارق تکرو

با شکایت زن جوان، مأموران پلیس تحقیقات خود را برای شناسایی سارق موتورسوار آغاز کردند. شکایت‌های بعدی که به دست پلیس رسید، همگی حکایت از آن داشت سارق تکرو با پرسه در خیابان‌ها طعمه‌های خود را بیشتر از زنان جوان و دختران انتخاب می‌کند. از طرفی گفته‌های شاکیان و بررسی دوربین‌های مداربسته هم نشان داد سارق در هر سرقتی موهایش را رنگ جدیدی می‌کند تا شناسایی نشود.

بدین ترتیب مأموران با به دست آمدن این اطلاعات، پرونده و آلبوم مجرمان سابقه‌دار را بررسی کردند، اما متوجه شدند متهم هیچ سابقه‌ای در پلیس آگاهی ندارد و به تازگی شروع به سرقت‌های سریالی کرده‌است.

عکس سلفی

در حالی که هر روز بر سرقت‌های سریالی سارق گوشی‌قاپ افزوده می‌شد و مأموران پلیس هم هیچ ردی از او پیدا نکرده بودند، زنی به اداره پلیس رفت و سرنخی از سارق گوشی‌اش در اختیار افسر پرونده قرار داد.

او گفت: «مدتی قبل سارق موتورسواری گوشی‌ام را که قاب خاصی داشت و آن قاب را دخترم درست کرده بود در یکی از خیابان‌ها از دستم قاپید. من شنیده بودم که سارقان وسایل سرقتی را پس از مدتی در فضای مجازی می‌فروشند و از آنجایی که قاب گوشی‌ام خاص بود از آن روز در فضای مجازی به امید اینکه گوشی‌ام را پیدا کنم، جست‌وجو می‌کردم. گوشی را پیدا نکردم، اما در یکی از جست‌وجوهایم، سارقم را که عکس سلفی با دوستانش گرفته و در اینستاگرام گذاشته بود، شناسایی کردم. سارق گوشی‌ام مردی با موهای بلند و بور بود و روی گردنش هم جای زخمی دیده می‌شد. امروز در یکی از صفحه‌های اینستاگرام سارق گوشی‌ام را با همان موهای بلند رنگ شده و زخم روی گردنش دیدم که همراه دو نفر از دوستانش عکس سلفی گرفته بود.»

بازداشت

با اطلاعاتی که شاکی در اختیار پلیس قرار داد، مأموران تحقیقات خود را ادامه دادند و در نهایت متهم را چند روز قبل در تحقیقات تخصصی شناسایی کردند. بررسی‌های مأموران نشان داد سارق مرد جوانی به نام بهزاد است که هیچ سابقه‌ای در پرونده‌اش ثبت نشده و به تازگی معتاد شده و برای هزینه اعتیادش دست به سرقت زده‌است. بدین ترتیب مأموران او را در مخفیگاهش شناسایی و بازداشت کردند. متهم پس از انتقال به اداره پلیس در بازجویی‌ها به گوشی‌قاپی‌های سریالی اعتراف کرد. تحقیقات از متهم برای شناسایی شاکیان و سرقت‌های احتمالی بیشتر ادامه دارد.

بازی در نقش سارق

بهزاد می‌گوید از کودکی عاشق تئاتر بوده و آرزو داشته روزی در سینما و تئاتر نقش‌های اول را بازی کند، به همین خاطر هم کلاس‌های بازیگری رفته، اما اعتیاد به موادمخدر راه زندگی‌اش را تغییر داده و سارق حرفه‌ای شده است.

سابقه داری؟

نه، من هیچ سابقه‌ای ندارم و تا الان هم پایم به کلانتری باز نشده است و از بدبختی روی به سرقت آورده‌ام، وگرنه اهل هنرم و الان باید برای خودم فرد مهمی بودم.

چه هنری؟

از دوران کودکی علاقه زیادی به تئاتر و سینما داشتم و دوست داشتم وقتی بزرگ شدم یکی از ستارگان سینما و تئاتر شوم، به همین دلیل هم به کلاس‌های بازیگری رفتم و حتی در چند تئاتر نیز روی صحنه رفته و بازی‌های خوبی هم کرده‌ام، چون هم چهره‌ام هنری است و هم ذوق هنری دارم، اما از وقتی معتاد به موادمخدر شدم، زندگی‌ام سیاه شد.

چه شد که معتاد شدی؟

رفت و آمد با دوستان ناباب باعث شد معتاد شوم. در کلاس‌های بازیگری اکثراً سیگار می‌کشیدند و من هم ناخودآگاه برای اولین بار سیگار کشیدم و بعد هم دوستان ناباب دوره‌ام کردند و مرا تشویق کردند که مواد بکشم. از گل و حشیش شروع شد و الان هم به شیشه ختم شده‌است.

برای تأمین هزینه مواد سرقت می‌کردی؟

بله، هر چند روز یک‌بار با موتورم به داخل خیابان می‌رفتم و گوشی‌قاپی می‌کردم. معمولاً چند دستگاه گوشی سرقت می‌کردم و می‌فروختم و وقتی پول‌هایم تمام می‌شد، دوباره برای سرقت به خیابان می‌رفتم. البته وقتی سرقت می‌کردم به خودم تلقین کرده بود که در حال بازی در نقش سارق هستم و برای سرقت‌های بعدی به خودم انگیزه می‌دادم.

گوشی را به چه کسی می‌فروختی؟

قیمت گوشی پایین باشد خریدار زیاد دارد. معمولاً به یک نفر می‌فروختم و او هم گوشی‌های سرقتی را به یکی از کشورهای همسایه می‌فرستاد.

چرا موهایت را رنگ می‌کردی؟

زمانی که کلاس بازیگری تئاتر رفتم، تصمیم گرفتم موهایم را رنگ کنم. فکر می‌کردم با این کار قیافه هنری‌تری دارم. در یکی از نقش‌هایی هم که بازی کردم باید موهایم را رنگ می‌کردم و کم‌کم به موهای رنگ شده علاقه پیدا کردم.

یعنی برای اینکه شناسایی نشوی رنگ نمی‌کردی؟

گفتم که به موهای رنگ شده علاقه داشتم، اما برای اینکه شناسایی نشوم هم هر چند روز یک‌بار روی موهایم رنگ تازه‌ای می‌گذاشتم.

می‌دانی چطور شناسایی شدی؟

بله، از روی زخم گردن و موهای بلندم.

چرا گردنت زخم شده؟

مدتی قبل مواد زیاد مصرف کرده بودم و حال خوبی نداشتم که در خیابان تصادف کردم و گردنم زخم شد. البته سعی می‌کردم با موهایم زخم گردنم را بپوشانم، اما باز هم شناسایی شدم.

حرف آخر؟

همه بدبختی‌های من از روزی شروع شد که به موادمخدر اعتیاد پیدا کردم. تمامی دوستان خلافکارم معتاد هستند و اگر من معتاد نمی‌شدم الان زندگی دیگری داشتم.

مفقودی

سندمالکیت(برگ سبز) خودرو سواری سایپا ۱۳۲ مدل ۱۳۸۹ به شماره شاسی S۱۴۲۲۲۸۹۱۸۴۹۸۰ شماره موتور ۳۶۴۳۱۹۳ با شماره انتظامی ۱۲۹ب۱۲ ایران ۷۸ بنام کوروش بنار مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اسلامشهر